

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

مرکز بجنورد

گروه: زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی و طبقه‌بندی موضوعی

فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی معنوی مولوی

(دفتر پنجم و ششم)

استاد راهنما:

دکتر جلیل مسعودی فرد

استاد مشاور:

دکتر حسن بساک

نگارش:

معصومه خجسته

مرداد ۸۸

۱۳۸۸/۹/۳۰

کتابخانه مرکزی
تاسیس ۱۳۵۷

۱۲۸۴۳۸

« بسمه تعالی »

پیوست ج (تصویب پایان نامه)



« تصویب پایان نامه »

پایان نامه تحت عنوان : « بررسی و طبقه بندی موضوعی فضایل و رذایل اخلاقی در شئوئی (دقت و نجوم و ششم) »

که در مرکز بجنورد تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد .
تاریخ دفاع : ۸۸/۵/۱۳ نمره : ۱۸٫۵ درجه ارزشیابی : عالی

اعضای هیات داوران :

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱	آقای دکتر جلیل مسعودی فرد	استاد راهنما	استادیار	
۲	آقای دکتر حسن بساک	استاد مشاور	استادیار	
۳	آقای دکتر محمد ریحانی	استاد ممتحن (داور)	استادیار	
۴	آقای دکتر ناصر قلی سارلی	نماینده گروه علمی	استادیار	
۵	آقای صادق شکیبایی	نماینده تحصیلات تکمیلی		



تاریخ :

شماره :

پیوست :

« بسمه تعالی »

« صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد « معصومه خجسته » دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی

با موضوع : " بررسی و طبقه بندی موضوعی فضایل و رذایل اخلاقی در شوی (دقت پنجم و ششم) "

با حضور اساتید نامبرده ذیل در روز سه شنبه ۱۳/۵/۸۸ ساعت در محل ساختمان آموزش برگزار شد و پس از بررسی پایان نامه مذکور با نمره (به عدد) ... (به حروف) ... (به حروف) ... (به حروف) ... و با درجه ... مورد قبول واقع شد . /

اعضای هیات داوران :

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱	آقای دکتر جلیل مسعودی فرد	استاد راهنما	استادیار	
۲	آقای دکتر حسن بساک	استاد مشاور	استادیار	
۳	آقای دکتر محمد ریحانی	استاد ممتحن (داور)	استادیار	
۴	آقای دکتر ناصر قلی سارلی	نماینده گروه علمی	استادیار	
۵	آقای صادق شکیبایی	نماینده تحصیلات تکمیلی		

قدردانی و سپاس

خدای بزرگ را بسیار سپاسگزارم که توفیق ویژه‌اش را نصیب این بنده ساخت تا بتوانم این پایان نامه را به انجام رسانم.

همچنین بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که در به انجام رسیدن این تحقیق مرا یاری نمودند صمیمانه سپاسگزاری نمایم:

دکتر جلیل مسعودی فرد ، استاد بزرگوارم که مسئولیت راهنمایی بنده را در تهیه این پایان نامه بر عهده داشتند.

دکتر حسن بساک به پاس رهنمودهای ارزشمندشان.

استادان بزرگوارم ، جناب دکتر ریحانی ، دکتر رحیمی و دکتر قره گوزلو که علم و دانش ، روش و بینش و منش به من آموختند.

همسر گرامی ام که همواره ، همراه و پشتیبان من بود.

و از تمامی دوستانی که در طی انجام تحقیق راهنمایی ام نمودند.

چکیده

بررسی و طبقه بندی موضوعی

فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی معنوی مولوی

(دفتر پنجم و ششم)

اگر با دید اخلاقی به کتاب پُر ارج مثنوی بنگریم، خواهیم دید که مولانا سخنان با ارزشی در خصوص مسایل اخلاقی در جای جای مثنوی در میان حکایات گنجانده است که می تواند برای جامعه انسانی امروز که دچار بحران بی هویتی و انحطاط اخلاقی شده است مفید باشد.

پس از مطالعه در دفتر پنجم و ششم مثنوی ابیاتی که مضمون اخلاقی مشترک داشتند بر دو بخش اصلی فضایل و رذایل اخلاقی تقسیم شد و اگر شرح و توضیحی بر این ابیات و صفات نیاز بود، نوشته شد در این تقسیم بندی ابیات بر مبنای عنوان بندی الفبایی صورت گرفته است.

بنده با تامل و بررسی در شرح های مشهوری که از مثنوی مولوی وجود دارد، ابیاتی را که مضمون اخلاقی داشتند آورده ام و اگر در بیت به آیه و حدیث و یا روایتی اشاره شده بود، آن را بیان نمودم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : پیشگفتار
۳	۱. مروری بر تحقیقات گذشته
۴	۲. روش کار و تحقیق
	فصل دوم : کلیات
۶	۱. تعریف اخلاق
۷	۲. تعریف فضایل اخلاقی
۷	۳. تعریف رذایل اخلاقی
۸	۴. دسته بندی مسایل اخلاقی
۸	۵. نسبی بودن اخلاق در اسلام
۸	۶. مقایسه اخلاق و عرفان در یک نگاه

صفحه	عنوان
۹	۷. عرفان در مثنوی و رابطه آن با اخلاق
۱۰	۸. لزوم خودشناسی در مثنوی و رابطه آن با اخلاق
۱۰	۹. نگاهی کلی به چند حکایت از دفتر پنجم و ششم مثنوی
۱۵	۱۰. تقسیم بندی فضایل اخلاقی در مثنوی
۱۶	۱۱. تقسیم بندی رذایل اخلاقی در مثنوی
	فصل سوم : مصادیق فضایل اخلاقی در مثنوی (دفتر پنجم و ششم)
۱۸	۱. آرامش
۱۹	۲. آشتی و صلح و سازش
۲۰	۳. احسان بندگان
۲۳	۴. اخلاص
۲۴	۵. ادب و نزاکت اخلاقی
۲۴	۶. استماع شایسته (حسن استماع)
۲۷	۷. اطاعت پذیری
۲۹	۸. امانتداری
۳۳	۹. امساک پسندیده (پرهیز از شکمبارگی)
۳۴	۱۰. امیدواری

صفحه	عنوان
۳۶	۱۱. پاکی و پاکیزگی
۳۹	۱۲. تقوی و پرهیزگاری
۴۱	۱۳. تواضع و فروتنی
۴۲	۱۴. توکل
۴۵	۱۴. حد خود را رعایت کردن
۴۶	۱۵. حسن خلق
۴۷	۱۶. حمایت از مظلوم و ترحم بر ضعیفان
۴۸	۱۷. خاموشی زبان.
۵۲	۱۸. خدمت به دیگران
۵۴	۱۹. خشم پسندیده
۵۵	۲۰. راز نگهداری
۵۷	۲۱. راستی ، صداقت ، درستی
۶۰	۲۲. رواداری و ناروایی بر خود و دیگران
۶۰	۲۳. ساده زیستی و فقر معنوی
۶۳	۲۴. سلام کردن
۶۴	۲۵. شجاعت و جوانمردی و مردانگی

صفحه	عنوان
۶۵	۲۶. شکر و سپاس ، ثنا و ستایش
۶۸	۲۷. شیرین سخنی
۶۹	۲۸. صبر و شکیبایی و مقاومت
۶۹	۲۹. صبر و شکیبایی و مقاومت
۷۴	۳۰. عاقبت بینی و آینده‌نگری
۷۶	۳۱. عدل و داد
۷۸	۳۲. عبرت گیری
۷۹	۳۳. عذر خواهی ، توبه
۸۲	۳۴. غفو و گذشت
۸۴	۳۵. عیادت از بیمار
۸۴	۳۶. عیب پوشی
۸۶	۳۷. فرو خوردن خشم یا کظم غیظ
۸۷	۳۸. قناعت
۸۸	۳۹. گریه و زاری و تضرع
۹۳	۴۰. مراعات حقوق دیگران
۹۴	۴۱. مشورت

صفحه	عنوان
۹۶	۴۲. معاشرت نیکو
۱۰۰	۴۳. مهر و محبت
۱۰۵	۴۴. مهمان نوازی
۱۰۷	۴۵. میانه روی در رفتار
۱۰۷	۴۶. وحدت و اتحاد و همگرایی
۱۰۸	۴۷. هدیه دادن و ارمغان آوردن
۱۰۹	۴۸. همت بلند داشتن

فصل چهارم: مصادیق رذایل اخلاقی در مثنوی (دفتر پنجم و ششم)

۱۱۳	۱. اسراف
۱۱۳	۲. بخل
۱۱۴	۳. بدخلقی
۱۱۶	۴. بدگمانی، بدبینی و سوء ظن
۱۱۷	۵. بدگوی و هجو
۱۱۸	۶. بغض و حقد و کینه و دشمنی و قهر
۱۲۰	۷. بی ادبی، گستاخی و پررویی
۱۲۱	۸. بی وفایی و نقض پیمان

صفحه	عنوان
۱۲۲	۹. پند ناپذیری
۱۲۳	۱۰. تجسس در احوال دیگران
۱۲۴	۱۱. تحقیر کردن و نگاه حقارت آمیز
۱۲۴	۱۲. ترس
۱۲۵	۱۳. ترشرویی و اخم
۱۲۶	۱۴. تمسخر و بی احترامی
۱۲۷	۱۵. تنبلی و سستی
۱۲۸	۱۶. تهمت زدن
۱۲۸	۱۷. چاپلوسی و تملق
۱۲۹	۱۸. حرص و طمع و آز
۱۳۲	۱۹. حسادت
۱۳۴	۲۰. خشم منفی
۱۳۶	۲۱. خیانت
۱۳۶	۲۲. دروغ
۱۳۸	۲۳. دزدی
۱۳۹	۲۴. رشوه خواری

صفحه	عنوان
۱۳۹	۲۵. ریا و تزویر
۱۴۰	۲۶. زنا
۱۴۰	۲۷. سخن چینی
۱۴۱	۲۸. سرکشی و عصیان و نافرمانی
۱۴۱	۲۹. شکمبارگی و پرخوری
۱۴۳	۳۰. شهرت طلبی و منصب زدگی
۱۴۵	۳۱. شهوت و شهوترانی
۱۴۸	۳۲. ظاهرگرایی
۱۵۰	۳۳. ظلم و جور
۱۵۲	۳۴. عیب جویی و سرزنش
۱۵۲	۳۵. غفلت
۱۵۴	۳۶. غیبت
۱۵۵	۳۷. فحش و بددهنی
۱۵۶	۳۸. قساوت و سنگدلی
۱۵۶	۳۹. کبر و غرور و خودپسندی و خودبزرگ بینی
۱۶۰	۴۰. لهو و لعب

صفحه	عنوان
۱۶۱	۴۱. مال دوستی
۱۶۲	۴۲. مکر و حيله و حقه بازی
۱۶۵	۴۳. نا امیدی
۱۶۶	۴۴. نادانی
۱۶۸	۴۵. ناسنیاسی و کفر
۱۶۹	۴۶. نفاق و دورویی
۱۷۰	۴۷. همت پست داشتن و فرومایگی
۱۷۲	نتیجه گیری
۱۷۴	منابع و مأخذ

فصل اول:

پیشگفتار

انسان همواره با انبوهی از گزینه های رفتاری روبرو است که تنها می تواند تعداد محدودی از آنها را برگزیند: چشم خود را به بعضی از دیدنیها بدوزد، گوش به بعضی از شنیدنیها فرا دهد و دست و پا و سایر اندامهای خود را برای انجام بعضی از امور بکار گیرد. بنابراین ارزشگذاری رفتارها نیاز به شناخت معیارها و ملاکهای ارزشی و اخلاقی دارد.

«بی شک نظام ارزشهای الهی که در تعالی و حیانی انبیاء عظام تبلور یافته و در منابع اصیل اسلامی تجلی کرده، تنها عامل هویت بخش و سعادت آفرین انسان است که لطف و فضل بیکران الهی در دسترس بشر قرار داده است و با مراجعه به قرآن و سنت می توان از آنها به خوبی بهره مند شد.» (مصباح، ۱۳۸۶-۱۱)

از سوی دیگر خداوند در قرآن کریم می فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ: (البته برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است). (قرآن: ۲۱/۳۳)

«کوشش انبیاء و تلاش ایشان در تمامی قرنهای تربیت انسان بوده است، این موجود که عصاره همه مخلوقات است و با اصلاح او عالم اصلاح می شود، و با فساد او به فساد کشیده می شود. کوشش انبیاء از اول تا آخر این بوده است که این موجود را به صراط مستقیم دعوت کنند و راه ببرند.» (محدثی، ۱۳۸۶: ۱۳)

پیامبر گرامی اسلام با تأکید بر این مسأله می فرماید «همانا من برای تتمیم و تکمیل خوی و رفتارهای ستوده و ارزشمند به پیامبری مبعوث شده ام.» (همان)

«همچنین توجه انسان به اخلاق و تأثیر اخلاق در همه ابعاد زندگی انسان به مرور باعث ارایه نظامهای اخلاقی از سوی مکاتب مختلف گردیده است. نظام اخلاقی اسلام را با جهت گیری قوی اخلاقی پیامبر عظیم الشان آنجا که فرمود: إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.» می توان از کامل ترین نظامهای اخلاقی موجود دانست.» (نجارزادگان، ۱۳۸۶: ۵)

با توجه به ذکر بعضی از مصادیق عمل صالح در قرآن کریم معلوم می شود فضیلتهای اخلاقی جزء عمل صالح به شمار می آید. صبر، سخاوت، عفت و عدالت همگی فضیلت اخلاقی اند که قرآن کریم از آنها به عنوان عمل صالح یاد می کند.

« پس رشد اخلاقی انسان که به عنوان هدف بعثت پیامبر گرامی اسلام ذکر شده است برای فراهم کردن و نجات آدمی و رهانیدن او از رخوت و رکودی که مقتضای طبع حیوانی انسان است. » (محدثی، ۱۳۸۶: ۱۳)

همچنین اندیشه و روان اسلامی که با قرآن و احادیث انس فراوان دارند علاوه بر شرح و تفسیر مضامین اخلاقی و تبیین مبانی آموزه‌های اخلاقی اسلامی دست زده و آثار گرانبهایی به یادگار گذاشته‌اند: از جمله مجموعه‌های غنی و متنوع مانند آمالی، چهل حدیث یا اربعین.

و نیز آثاری از عارفان مسلمان با تلفیق مضامین عرفانی و اخلاقی در قالب آداب سبیر و سلوک در اختیار ما قرار داده‌اند که علاوه بر شناسایی فضیلت‌های اخلاقی، راهکارهای لازم برای تحصیل آنها را بیان می‌دارند. (محدثی ۱۳۸۶: ۱۴)

مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین از جمله کتابهای تعلیمی در طریق عرفان و ادب و اخلاق است.

استاد فروزانفر در مقاله‌اش در شرح مثنوی شریف از آن به عنوان « کتاب آسمانی » یاد می‌کند. او می‌گوید « مثنوی از حیث نظم و ترتیب، اسلوبی همانند قرآن کریم دارد. » (فروزانفر، ۱۳۷۹: یک و دو)

۱. مروری بر تحقیقات گذشته

درباره مثنوی معنوی این اثر عظیم مولوی، سخنان بسیار گفته شده و شرح تفسیرهای فراوانی نوشته شده است. اما در این آثار کمتر به مسایل اخلاقی و مصادیق فضایل و رذایل اخلاقی پرداخته شده است.

از جمله آثاری که به مسایل اخلاقی مولوی توجه داشته‌اند عبارتند از:

۱. مرآة المثنوی، تألیف قاضی تلمذ حسین. در این اثر، در فصلی با نام « ذرر الحکم » به مواعظ، حکم، معارف، اخلاق به شکل محدودی پرداخته شده اما بسیاری از مسایل اخلاقی در مثنوی بیان نشده است.

۲. لب لباب مثنوی، تألیف ملا حسین واعظ کاشفی، در قرن نهم، که مؤلف آن فقط در یک بخش آن بیتهایی را که درباره اخلاق است، از شش دفتر مثنوی آورده است.

۳. مولوی‌نامه، تألیف جلال‌الدین همایی وی در این اثر در مقالت اول به صورت بسیار محدود به افکار و عقاید مولوی در آداب و رسوم اخلاقی و اجتماعی پرداخته است.

بنابراین اگرچه درباره اخلاق در مثنوی، آثاری نوشته شده اما به صورت وسیع کاری انجام نشده است.

۲. روش کار و تحقیق

بر اساس آنچه گفته شد، با مطالعه دفاتر پنجم و ششم مثنوی و جستجو در ابیات آن، ابیاتی را که در آن‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به فضایل و رذایل اخلاقی اشاره شده بود یادداشت نموده و سپس آن ابیات را دو بخش فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی قرار دادم. تقسیم‌بندی و ترتیب این ابیات در عناوین اصلی به ترتیب حروف الفبای زبان فارسی صورت گرفته است و اگر هریک از این صفات نیاز به تعریف و توضیحی داشت، در آن خصوص توضیح مختصری داده‌ام. لازم به ذکر است که صفاتی که معنایی نزدیک به هم دارند، در یک عنوان کلی قرار داده شده‌اند.

چون برخی از ابیات مثنوی بیش از یک مفهوم اخلاقی را بیان می‌کردند به همین دلیل در ذیل هر عنوان اصلی اخلاقی، ابیات به صورت مجزا گنجانده شدند.

در ارجاع ابیات شماره ابیات داخل کمانک در سطر زیرین قرار گرفته است. در داخل کمانک عدد سمت راست خط مورب، شماره دفتر مثنوی و عدد سمت چپ خط مورب، شماره بیت است. خط فاصله (-) توالی ابیات از شماره راست به چپ است، در صورتی که بین ابیات ذکر شده، تناوب وجود داشته باشد و یا ابیات منتخب از دو دفتر جداگانه باشد، ارجاع بین شماره ابیات، از حروف عطف (و) استفاده شده است.

در ارجاع به آیات قرآن، در داخل کمانک پس از واژه قرآن، سمت راست خط مورب، شماره سوره و سمت چپ خط مورب، شماره یا شماره‌های آیات آمده است.

در پایان، به رغم این همه، به صراحت می‌گوییم که این تحقیق به دلیل بضاعت علمی اندک بنده و نیز به دلیل گستردگی موضوعات آن، کمبودها و ضعف‌هایی دارد که از این بابت از تمامی خوانندگان عذرخواهی می‌نمایم.

فصل دوم:

کلیات

۱. تعریف اخلاق

اخلاق در لغت جمع خُلُق و خُلُق از ماده «خ ل ق» به معنای سجایا و منشهای پایدار درونی «اعم از خوب یا بد» است. خُلُق چهره و شاکله درونی انسان است که با اختیار او شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. (نجارزادگان، ۱۳۸۶: ۱۹. به نقل از راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده «خ ل ق»)

خواجه نصیرالدین توسی درباره خُلُق می‌گوید «خُلُق ملکه‌ای بود که نفس را مقتضی سهولت صدور فعلی بود از او، بی احتیاج تفکری و رویتی.» (توسی، بی تا: ۶۴)
به عبارت دیگر «خُلُق عبارت از حالتی است در نفس که انسان را دعوت به عمل می‌کند بدون اندیشه و فکر.» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵۱۰)

اخلاق در اصطلاح اندیشه و روان اسلامی عبارت است از «صفات و ویژگی‌های پایدار در نفس که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن صفات به طور خود جوش و بدون نیاز به فکر و تأمل از انسان صادر شود.» (شریفی، ۱۳۷۸: ۲۵۶)

همچنین در تعریف دیگری می‌توان گفت: «اخلاق به تمام صفات نفسانی اطلاق می‌شود که منشأ کارهای پسندیده است.» و «گاه نیز واژه اخلاق تنها در مورد صفات و افعال نیک به کار می‌رود و مثلاً گفته می‌شود فلان کار اخلاقی (خوب) و یا غیر اخلاقی (بد) است.» (مصباح، ۱۳۸۶: ۱۶)

از اخلاق تعاریف متعدد و متنوعی در دست است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:
غزالی در تعریف اخلاق می‌گوید: «حالتی است راسخ و مؤثر در روان انسان که در سایه آن بدون اندیشه و تأمل، افعال و رفتار از بشر ظاهر می‌شود.» (قائمی، ۱۳۷۵: ۳۱)

هگل از فلاسفه غرب می‌گوید: «اخلاق عبارت است از پیروی و اطاعت قوانین و اخلاقی کسی است که درست مطیع قانون باشد و مقرراتش را عملاً به کار بندد.» (همان)